



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 41
Winter 2025

Pages: 79-100

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.61721.2516

Received: 2024/05/20 Received in revised form: 2024/07/10 Accepted: 2024/08/19 Published: 2024/12/23

The Foundations and Necessities of Parliamentarism in the Parvaresh Newspaper, Published in Cairo

Gholamali Pashazadeh¹ | Fatemeh Orouji² | Rasoul Pourzamani³

Abstract

The concept of parliament, a subject of interest in pre-constitutional Iran, was discussed from various perspectives in Parvaresh, a newspaper published in Cairo. While describing Western parliaments, the newspaper linked the concept to the Islamic principle of consultation, viewing the establishment of a parliament in Iran as not only compatible with Islam but also as a means to strengthen the monarchy and counter colonialism. In this context, Parvaresh sought to align parliament, an institution emerging from Western constitutional systems, with Islamic principles and the Qajar monarchy. The present study aims to investigate how parliamentarism could be adapted to Islamic principles and societal traditions in Iran, addressing this issue through an explanatory method and using content analysis techniques. The research seeks to answer the following question: How did the newspaper adapt the principles of parliament to Islam and the traditions of Iranian society, and why did it consider this adaptation beneficial for Iran at the time? The results of the research indicate that Parvaresh, skeptical of wholesale adoption of Western principles and Western parliamentarism, aimed to affirm the parliamentary system while reducing its modern aspects to align with Islamic principles and Iranian societal traditions. This approach led the newspaper to focus primarily on describing the external characteristics of Western parliaments, along with their functions and benefits for society and the monarchy, while considering their establishment essential for strengthening the monarchy and countering colonialism.

Keywords: Parliament, parliamentarism, Islam, Parvaresh, Mirza Ali

1. Associate Professor, Department of History, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author)
a.pashazadeh@tabrizu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of History, University of Tabriz, Iran
forouji@tabrizu.ac.ir
3. Ph.D Candidate in the History of Iran after Islam, University of Tabriz, Iran
rasoulpourzamani@yahoo.com



مبانی و ضرورت‌های پارلمانتاریسم در روزنامه پرورش چاپ قاهره

غلامعلی پاشازاده^۱ | فاطمه اورجی^۲ | رسول پورزمانی^۳

چکیده

مفهوم پارلمان از مفاهیم مورد توجه در ایران پیشامشروطه، در روزنامه پرورش چاپ قاهره از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفت. روزنامه ضمن توصیف پارلمان‌های غربی، آن را با قاعده مشورت در اسلام پیوند داد و تأسیس پارلمان در ایران را نه تنها منافی با اسلام ندید، بلکه آن را راهکاری مناسب برای تقویت سلطنت و مقابله با استعمار دید. برای این منظور روزنامه درصدد برآمد پارلمان را به‌عنوان نهادی برآمده از نظام‌های مشروطه غربی و مبانی نظری آن، با اصول اسلامی و سلطنت قاجاری مطابقت دهد. تحقیق حاضر بر آن است تا نحوه و چگونگی تطبیق پارلمانتاریسم با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه را به‌عنوان یک مسئله مورد بررسی قرار داده و به این سؤال با روش تبیینی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا پاسخ دهد که روزنامه به چه نحو اصول پارلمان را با اسلام و سنت‌های جامعه ایران تطبیق داده و برای ایران آن زمان مفید دانسته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پرورش به دلیل عدم اعتقاد به اخذ تمام و کمال اصول تمدن غربی و به تبع آن پارلمانتاریسم رایج در غرب، سعی کرده است تا ضمن تأیید نظام پارلمانی، با تقلیل این مفهوم مدرن، آن را با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه ایران مطابق نشان دهد. همین امر نیز باعث شد تا روزنامه به توصیف ظواهر پارلمان غربی و کارکردها و فواید حاصل از آن برای جامعه و سلطنت اکتفا نماید و تأسیس آن را برای تقویت سلطنت و مقابله با استعمار ضروری بداند.

کلیدواژه‌ها: پارلمان، پارلمانتاریسم، اسلام، پرورش، میرزا علی محمد خان کاشانی.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز، ایران

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تبریز، ایران

a.pashazadeh@tabrizu.ac.ir

forouji@tabrizu.ac.ir

rasoulpourzamani@yahoo.com

مقدمه

هم‌زمانی حکومت قاجاریه در ایران، با تحولات رخ داده در اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ م. باعث شد تا ایران دوره قاجار به مانند بسیاری دیگر از ممالک، تحت تأثیر تحولات و اندیشه‌های جدید غرب قرار گیرد. در این میان روزنامه‌نگاران ایرانی دوره قاجار، خصوصاً روزنامه‌نگارانی که با مهاجرت از ایران و به دور از فضای سانسور حاکم بر مطبوعات چاپ داخل ایران، به فعالیت مطبوعاتی پرداختند، توانستند نقش مهمی در انتقال و تشریح این تحولات و مفاهیم جدید غربی به مخاطبان ایرانی‌شان ایفا کنند.

روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ مصر در این میان جایگاه ویژه‌ای دارند. این روزنامه‌ها به دلیل انتشار در فضای آزاد مصر در آن دوره تاریخی توانستند دور از دسترس دستگاه سانسور حاکم در ایران، به انتقال مفاهیم مدرن غربی و تحولات رخ داده در غرب بپردازند. مصر در آن زمان پایگاهی برای بسیاری از روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه مهاجر دیگر ممالک بوده است. با عنایت به چنین فضای آزادی بود که مهدی خان، پزشک تبریزی روزنامه حکمت، میرزا عبدالمحمد اصفهانی روزنامه چهره‌نما و میرزا علی‌محمد خان کاشانی روزنامه‌های ثریا و پرورش را منتشر کردند.

روزنامه پرورش در میان روزنامه‌های چاپ مصر به‌واسطه سابقه مطبوعاتی پر بار مدیر مسئول آن و همچنین آشنایی وی با غرب به دلیل حضور در جغرافیای عثمانی و مصر و همچنین سفر سه‌ماهه او به خاک اروپا جایگاهی ویژه دارد، به طوری که محققان روزنامه پرورش را در آشنایی ایرانیان با اوضاع جهان، شکل‌گیری انقلاب مشروطه، گسترش افکار نو، اندیشه‌های مترقی و تقویت پشتوانه تئوریک جنبش مشروطه، مؤثر ارزیابی کرده‌اند.^۱ توجه روزنامه به مفاهیم مدرنی چون آزادی، قانون، برابری، موضوع مشارکت مردم در امور کشور و لزوم تأسیس نهاد پارلمان^۲ از عوامل تأثیرگذار در جایگاه روزنامه است.

۱. گونل کهن معتقد است که پرورش در شکل‌گیری انقلاب مشروطه و گسترش «افکار نو» و «اندیشه‌های مترقی»، پشتوانه تئوریک جنبش مشروطه را تقویت کرده است (کهن، ۱۳۶۰: ۲۰۳). صدر هاشمی نیز معتقد است که پرورش از لحاظ آشنا ساختن ایرانیان با اوضاع جهان، خدمات گران‌بهای انجام داده است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۹/۲).

۲. لفظ پارلمان از کلمه «پارلیامنتوم» لاتین به معنی صحبت کردن مشتق شده است. هیئت را که در هر کشوری برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها از سوی مردم برگزیده می‌شود، پارلمان می‌گویند (آشوری، ۱۳۷۱: ۷۶).

البته مفهوم پارلمان قبل از پرورش در ایران موضوعی شناخته‌شده بود و مطالبی در مورد آن در سفرنامه‌های ایرانیان اروپادیده، رسائل سیاسی و نوشته‌های اندیشمندان آن دوره وجود داشت. آگاهی‌های ارائه‌شده توسط میرزا یوسف خان مستشارالدوله در مورد اعلامیه حقوق بشر فرانسه، پارلمان، حق رأی و انتخاب وکلای مجلس در رساله یک کلمه، از آن جمله بود^۱ ولی گسترش آگاهی عمومی در این حوزه، بدون مشارکت مطبوعات تأثیرگذاری مانند پرورش امکان‌پذیر نبود. توجه به پارلمانتاریسم به‌عنوان موضوع موردبحث پژوهش حاضر در روزنامه پرورش از چندین بُعد اهمیت دارد. پارلمانتاریسم به‌عنوان یک مفهوم غربی بایستی در ربط با اندیشه‌های دینی و سیاسی جامعه ایران قرن نوزدهم به جامعه شناسانده می‌شد و انطباق یا عدم انطباق آن با اصول اسلامی، ضرورت و چگونگی آن برای جامعه تشریح می‌گردید. رویکرد روزنامه به پارلمانتاریسم در ربط با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه ایرانی مسئله موردتوجه پژوهش حاضر است که با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد و به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهد که روزنامه چگونه پارلمانتاریسم را با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه ایرانی تطبیق داده و آن را ترویج کرده است؟

نتیجه تحقیق حکایت از آن دارد که روزنامه پرورش به دلیل عدم اعتقاد به اخذ تمام و کمال اصول تمدن غربی و به‌تبع آن پارلمانتاریسم رایج در غرب، سعی کرده است این مفهوم مدرن را با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه آن روز ایران مطابق نشان دهد. همین امر نیز باعث گردیده تا روزنامه به توصیف ظواهر پارلمان غربی و کارکردها و فواید حاصل از آن برای مردم و سلطنت اکتفا کرده و به بحث مبانی نظام‌های مشروطه ورود پیدا نکند. روزنامه با تقلیل مفهوم پارلمان به معنای غربی آن، سعی بر این دارد تا در قالب مفاهیم دینی و با در نظر گرفتن سنت‌های ریشه‌دار جامعه ایران، به انتقال این مفهوم بپردازد.

علی‌رغم اهمیت زیاد و جایگاه رفیع پرورش در تاریخ مطبوعات ایران، مطالعات چندانی در مورد این روزنامه صورت نگرفته است. در این میان نویسندگانی چون محمد صدر هاشمی در کتاب *تاریخ جراید و مجلات ایران*، محیط طباطبایی در *تاریخ تحلیلی مطبوعات*

۱. غلامعلی پاشازاده (۱۳۹۰)، «توجه به اعلامیه حقوق بشر در ایران و عثمانی قرن نوزدهم»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۳.

ایران، ناصرالدین پروین در کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، و ادوارد براون انگلیسی در کتاب تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، به معرفی اجمالی روزنامه پرورش پرداخته و اشاراتی نیز به محتوای این روزنامه کرده‌اند. در برخی مقالات نیز محتوای روزنامه پرورش مورد بررسی قرار گرفته است. «اندیشه ترقی و توسعه در روزنامه پرورش»^۱ و «بررسی اندیشه اقتصادی علی محمد خان کاشانی با استناد به دو روزنامه ثریا و پرورش»^۲ از جمله چنین پژوهش‌هایی هستند. سید امیرمسعود شهرام‌نیا نیز در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود تحت عنوان «چگونگی پیدایی و نضج اندیشه پارلمانتاریسم در ایران»^۳ و در بحث از تبیین اندیشه پارلمانتاریسم در روزنامه‌های عصر قاجار، به بررسی انعکاس اندیشه پارلمانتاریسم در روزنامه‌های اختر، قانون و عروة الوثقی اکتفا کرده و اشاره‌ای به روزنامه پرورش و اندیشه میرزا علی محمد خان کاشانی در این باب نکرده است.

مقاله حاضر متفاوت از پژوهش‌های ذکرشده تلاش دارد تا به موضوع پارلمانتاریسم در پرورش پرداخته و نوع نگاه روزنامه به این مفهوم غربی را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش به روش تحلیل محتوا و با فیش برداری از مندرجات پرورش و بهره‌گیری از دیگر منابع مکمل انجام شده است.

روزنامه پرورش و ترویج نوگرایی

روزنامه فارسی‌زبان پرورش در مصر و به مدیریت مسئولی میرزا علی محمد خان کاشانی چاپ می‌شد (رابینو، ۱۳۸۰: ۹۴). مدیر این روزنامه سابقه دورودرازی در روزنامه‌نگاری داشت و پیش از آن در روزنامه‌هایی مانند اطلاع، ایران (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۰۰/۱)، اختر (کهن، ۱۳۶۰: ۱۰۱/۱) و ثریا (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۷/۲) قلم زده بود و مدتی هم سردبیری روزنامه ثریا را بر عهده داشت^۴ (سمیعی، ۱۳۹۸: ۲۲۸/۱). از شروع انتشار روزنامه

۱. الهه کولایی، محمد رامرد. (۱۳۹۰)، «اندیشه ترقی و توسعه در روزنامه پرورش»، سیاست، ش ۴، ۲۴۴-۲۲۵.

۲. رقیه سلطانی جلفان، علی بیگدلی (۱۳۹۶)، «بررسی اندیشه اقتصادی علی محمدخان کاشانی با استناد به دو روزنامه ثریا و پرورش»، تاریخ ایران، ش ۴۲، ۱۳۵-۱۱۱.

۳. امیرمسعود شهرام‌نیا. (۱۳۷۶)، «چگونگی پیدایی و نضج اندیشه پارلمانتاریسم در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).

۴. میرزا علی محمد خان یک سال و چهار ماه با روزنامه ثریا همکاری داشته است. وی بعد از این مدت و به دلیل اختلافات میان او و میرزا فرج‌الله کاشانی (صاحب‌امتیاز روزنامه) با ثریا قطع همکاری کرده و مدتی بعد روزنامه پرورش را منتشر ساخته است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۷/۲).

در ۱۰ صفر سال ۱۳۱۸ تا زمان مرگ مدیر آن به دلیل بیماری سل، ۳۳ شماره از آن انتشار یافت^۱ (براون، ۱۳۳۷: ۲۷۳/۲) و مضمون آن به گونه‌ای بود که به اذعان منابع و تحقیقات انجام‌گرفته، جایگاه بلندی در بیدارگری ایرانیان پیدا کرد. به‌طوری‌که محققان با به‌کارگیری عباراتی چون «از کم‌نظیرترین روزنامه‌های فارسی» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۹/۲)، «بهترین روزنامه‌ها»^۲ (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۱/۱)، «آزادمنش‌ترین روزنامه ایران قبل از مشروطه»^۳ (براون، ۱۳۳۷: ۳/۲-۲۷۲) و «از معروف‌ترین روزنامه‌های ایرانیان خارج از کشور قبل از مشروطه» (برزین، ۱۳۷۱: ۱۰۷) به ستایش از این روزنامه پرداخته‌اند. صدر هاشمی معتقد است که این روزنامه در بیداری ایرانیان، آماده ساختن آنان برای انقلاب مشروطه و آشنا ساختن ایرانیان با اوضاع جهان نقش بسزایی داشته است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۹/۲). این روزنامه در میان ادیبان، سیاستمداران، دانشمندان و شعرای آن دوره جایگاه ویژه‌ای داشته، به گونه‌ای که مطالب مندرج در آن در سطحی قابل‌درک برای طبقه متوسط جامعه آن روز ایران بوده است^۴ (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۹۲-۹۰). به دلیل این سطح از تأثیرگذاری است که دولت وقت ایران سعی در ممانعت از ورود این روزنامه به ایران را داشته است^۵ (حائری، ۱۳۸۱: ۱۶).

۱. میرزا نصرالله خان کاشانی ملقب به وحیدالملک، میرزا عبدالحسین کاشانی، میرزا عبدالله کاشانی برادران مدیر روزنامه و همچنین مجدالاسلام کرمانی یا نام مستعار در انتشار روزنامه همکاری می‌کرده‌اند، هرچند در این میان خود میرزا علی‌محمد خان در نگارش روزنامه بیشترین سهم را داشته است (پروین، ۱۳۷۹: ۴۶۱/۲).
۲. احمد کسروی ضمن اشاره به گفتارهای تند و تکان‌دهنده پرورش، این روزنامه را از بهترین جراید آن دوره معرفی می‌کند (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۱/۱).
۳. ادوارد براون انگلیسی از روزنامه با عنوان «آزادمنش‌ترین روزنامه ایران» در میان تمام مطبوعات فارسی قبل از مشروطه یاد کرده و پرورش را عامل انقلاب فکری در ایران معرفی می‌کند؛ روزنامه‌ای که به دلیل حملات شدیدش به اصول اداره و تشکیلات دولت ایران و انتقاد از عملکرد امین‌السلطان صدراعظم وقت، موجبات تهییج مردم و نفرت آنان از دربار قاجار را فراهم کرده است (براون، ۱۳۳۷: ۳/۲-۲۷۲).
۴. در مکتوبی تحت عنوان «مکتوب از زنجان» جایگاه پرورش در میان ایرانیان به‌روشنی بیان گردیده است. نگارنده این مکتوب خطاب به روزنامه‌چهره‌نمای مصر می‌نویسد: «قربان یکدنیا ملت‌دوستیت کردم. پس از فوت مرحوم میرزا علی‌محمد خان کاشانی مدیر پرورش، دیگر عهد نموده بودم که جراید فارسیه را مطالعه نکنم زیرا که تمام جراید فارسیه خالی از غرض نیستند و تمامی مدیرهای جراید که زبان ملت هستند، مذاق‌گویی می‌کنند...» (چهره‌نما، سال ۲، ۶: ۸-۹). میزان اهمیت روزنامه به حدی بوده که در عصر خودش از آن با عنوان «روزنامه‌تایمس ایران» یاد کرده‌اند (پرورش، ۱۹: ۱۲).
۵. پرورش بعد از انتشار ۲۲ شماره از سوی حکومت ایران توقیف شد و امین‌السلطان صدراعظم وقت ایران دستور داد از ورود این روزنامه به ایران ممانعت به عمل آید. پس از این اتفاق میرزا علی‌محمد خان توانست تنها ۱۰ شماره دیگر از پرورش را منتشر سازد (براون، ۱۳۳۷: ۲۷۳/۲).

ضرورت اقتباس از پارلمانتاریسم غربی

از دوره ناصری و از زمانی که اندیشمندان ایرانی حکومت مقننه را با الهام از نظام‌های مشروطه غربی برای ترقی ایران یک ضرورت شناختند، بحث چگونگی اخذ و اقتباس از نظام‌های مشروطه غربی و به تبع آن پارلمانتاریسم به بحثی جدی در میان اندیشمندان مبدل شد و راهکارهای گوناگونی را به ارمغان آورد. برخی از اندیشمندان مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده که به اخذ کامل اصول تمدن غربی معتقد بودند، اخذ بی‌کم‌وکاست پارلمانتاریسم غربی را یک ضرورت پنداشته و تطبیق آن با سنت‌های ایرانی و اسلامی را زائد دانستند (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۵۴).

برخی از اندیشمندان اخذ کامل اصول تمدن غربی و در نتیجه پارلمانتاریسم را غیر ممکن دیدند و ترویج اصول آن را در گرو روشن شدن رابطه‌اش با اصول اسلامی و حکومت قاجاری دانستند. این اندیشمندان خود دو گروه بودند. عده‌ای مانند میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله بنا به مصلحت و صرفاً برای پذیرش مردم، اصول تمدن غربی، نظام مشروطه و نظام پارلمانی را با اسلام و سنت‌های جامعه سازگار نشان دادند، درحالی‌که اعتقادی به سازگاری آن نداشتند (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۱۶۴). برخی دیگر مانند میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله و بعدها نائینی موفقیت در ترویج مشروطیت و نظام پارلمانی را در سازگاری واقعی آن‌ها با اصول اسلامی می‌دانستند و اقتباس از نظام پارلمانی را صرفاً در چارچوب شریعت توصیه می‌کردند و اعتقاد داشتند باید آن بخش از اصول تمدن غربی و پارلمانتاریسم اقتباس گردد که منافاتی با اسلام ندارند (پاشازاده، ۱۳۹۲: ۵۹).

روزنامه پرورش نیز اعتقاد به اخذ کامل اصول تمدن غربی و در نتیجه پارلمانتاریسم غربی نداشت و سعی می‌کرد آن‌ها را با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه مطابق نشان دهد. شاید همین ضرورت موجب شد روزنامه به بحث مبانی نظام‌های مشروطه وارد نشود تا تناقض‌های جدی پارلمانتاریسم در غرب را نادیده بگیرد. مدیر روزنامه ترجیح داده است تا به‌جای ورود به بحث‌های مربوط به مبانی حکومت در غرب، گزارش سفرنامه‌وار خود از وضعیت پارلمان‌های اروپایی را درج نماید. گزارشات ارسالی میرزا علی‌محمد خان کاشانی از

پارلمان‌های غربی اثباتی بر این مدعاست. وی در سفر سه‌ماهه خود به اروپا^۱، در کنار شرح سفر مظفرالدین‌شاه به اروپا و مصاحبه‌های خود با برخی از ملازمان شاه در این سفر^۲، مشاهدات خود از غرب را در قالب گزارش به روزنامه ارسال کرده است.^۳ یکی از مواردی که در این سفر، توجه وی را به خود جلب کرده و مطالبی نیز درباره آن نگاشته است، نظام پارلمانی رایج در غرب بوده است.

مفصل‌ترین اطلاعات پرورش مربوط به پارلمان‌های غربی مربوط به پارلمان اتریش است. هرچند در این گزارش مفصل از واژه‌هایی چون «پارلمان»، «وکلاهی مردم» و «پاسداری از حقوق ملت» یاد شده، باین‌حال تعریفی از این واژه‌ها ارائه نگردیده و نویسنده به بحث از مبانی نظام حکومتی حاکم بر اتریش نپرداخته است. مدیر پرورش که در سفر خود به وین، از پارلمان اتریش دیدن کرده است به‌طور مفصل مطالبی درباره وظیفه پارلمان و وکلای ملت، شکل ظاهری ساختمان پارلمان^۴ و بخش‌های مرتبط با آن، مجلس سنا، نمایندگان پارلمان، زمان انعقاد جلسات پارلمان و حضور عموم مردم در مجلس به هنگام برگزاری جلسات نمایندگان آورده است. در این مطلب که تحت عنوان «وین - ۲ سپتامبر سنه ۱۹۰۰» به چاپ رسیده است، نگارنده وظیفه پارلمان و نمایندگان مردم را پاسداری از حقوق ملت و منافع دولت دانسته و با ذکر واقعه‌ای مربوط به پارلمان اتریش، از حدود اختیارات وکلای مردم و کارکرد مجلس در مقابله با استبداد و خودرأیی سخن به میان آورده است. میرزا علی محمد خان درباره این واقعه چنین آورده است: «خیلی میل داشتم پارلمنت

۱. هم‌زمان با سفر مظفرالدین‌شاه به اروپا، میرزا علی محمد خان نیز راهی اروپا شده است. به گفته خود وی، در این سفر سه‌ماهه میرزا نصرالله خان برادر کوچک‌تر او مدیریت روزنامه را عهده‌دار بوده است. مدیر روزنامه همچنین این سفر را برای کار روزنامه‌نگاری خود بسیار پراهمیت دانسته و معتقد است: «دریغ می‌آدمم که روزنامه‌نگار ایرانی اوضاع اروپا را سیر نکرده، روزنامه نگار که گفته‌اند شنیدن کی بود مانند دیدن» (پرورش، ۱۹: ۱).

۲. مجدالاسلام کرمانی درباره این سفر میرزا علی محمد خان به اروپا می‌نویسد: «حرف‌هایی در مسافرت فرنگ بشاه مرحوم و وزراء ملتزم رکاب عرض کرد که مدیر طیمس لندن با آن همه آزادی نمی‌تواند بوزراء انگلیس بگوید» (نمای وطن، سال سوم، ۲۹: ۲).

۳. وی در برخی از این گزارش‌ها، شیفته‌وار ترقیات اروپا را ستوده و از عقب‌ماندگی ایران و ایرانی ابراز ناراحتی کرده است (سمیعی، ۱۳۹۸: ۲۵۵/۱). احمد کسروی نیز نتیجه این سفر را «گفتارهای پرمغز نیکی» دانسته که او از اروپا به پرورش می‌فرستاده است (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۲/۱).

۴. ساختمان پارلمان اتریش از سال ۱۸۸۴ مورد استفاده قرار گرفته و در زمان بازدید میرزا علی محمد خان ۱۶ سال از فعالیت آن سپری می‌شده است.

وینه را ببینم که چه نوع جایی است که بر سر پاس حقوق ملت و حفظ منافع دولت تواند و کیلی از وکلای ملت، بر صدراعظم پرخاش کند، ویرا ناسزا گفته او را به جنگ دوئل دعوت نماید و صدراعظم را آن یارا نباشد که رد دوئل نماید و هم در دوئل بازوی صدراعظم را به ضرب گلوله خورد نماید که خودخیالی و خودغرضی از میان برداشته شود»^۱ (پرورش، ۱۵: ۴). البته نویسنده گزارش به‌مانند دیگر گزارشات خود در باب پارلمان و پارلمان‌تاریسم در غرب، به‌روشنی مشخص نمی‌کند که روزنامه چه تعریفی از حقوق ملت را مدنظر دارد؛ اینکه آیا روزنامه طرفدار همان قانون و حقوقی می‌باشد که برخاسته از اراده ملت است یا قانون مدنظرش همانی است که بایستی بر اساس قانون شرع و زیر نظر علمای دینی، تنظیم و اجرا گردد؟

روزنامه در ادامه این گزارش به توصیف ظواهر پارلمان اکتفا کرده است. نگارنده گزارش از پارلمان اتریش با عنوان «سیناتو» یاد کرده و محلی معرفی می‌کند که در آن وزرای کابینه و وکلای ملت جلسات مذاکره خود را برگزار می‌کرده‌اند. کاشانی در ضمن شرح و توصیف سیناتو برای خوانندگان پرورش، با ابراز تأسف از نبود پارلمان در ایران، می‌نویسد: «بعینه اطلاق محاکمه می‌ماند. افسوس من به چه زبانی اطلاق محاکم را تعبیر و تقریر کنم که ابنای ملت من بفهمند در صورتی که نه محکمه داریم و نه پارلمنت و نه سناتو. فرض کنید تالاری است بزرگ تیاترمانند صحن دارد. آوڅ مشکل دو تا شد! تیاتر نیز در کشور ما وجود ندارد تا در آن عیوبات و محاسن بطریق تقلید مجسم گردد و مردم از آن پند گیرند. پس باید همه از روی تصور نگاشت». وی در ادامه سیناتو را به تالاری هشت‌مانند تشبیه می‌کند که در عرض پله‌های آن صندلی وکلای ملت قرار داده شده است. او همچنین از محل قرارگیری صندلی رئیس و منشیان مجلس نیز صحبت کرده است. کاشانی در مورد محل

۱. میزان اختیارات پارلمان در غرب و قدرت وکلای پارلمان در ممالک آلمان و انگلستان نیز در برخی دیگر از مطالب پرورش انعکاس یافته است. انتقال چنین اخباری نشان از فهم گردانندگان این روزنامه از میزان اختیارات پارلمان در برابر دولت دارد. روزنامه در مطلبی تحت عنوان «پرنس هوهنلو و علت استعفا او» در باب دلیل استعفا صدراعظم آلمان به نقل از روزنامه «تان»، نگرانی صدراعظم از افتتاح پارلمان آلمان (راشستاخ) و احتمال اعلام بی‌کفایتی او در مسئله چین از سوی وکلای پارلمان را مطرح کرده است (پرورش، ۲۲: ۱۴-۱۳). پرورش در مطلبی دیگر از احتمال عزل «سالیزبوری» وزیر، توسط پارلمان انگلستان به دلیل ناکامی انگلستان در جنگ بوئر خبر داده است (پرورش، ۲۷: ۲).

استقرار نمایندگان مجلس و همچنین درجه علمی آنان نیز اطلاعاتی داده و می‌نویسد: «تمام صندلی‌ها از چوب گردو و میز کوچک جلوی آن اسم شخص که در آن می‌نشیند با نمره صندلی نوشته‌اند. غالب اسم این مبعوثین دوکتور بود دیگر نمی‌دانم دوکتور فلسفه یا طبی هستند». کاشانی در این گزارش، همچنین از حضور عموم مردم در جلسات مجلس نیز یاد کرده که حق تماشای مذاکرات مجلس را داشته‌اند (پرورش، ۱۵: ۴-۵).

میرزاعلی محمدخان در این سفر، از لندن نیز دیدار داشته و در یکی از گزارش‌های خود به روزنامه، از پارلمان انگلستان یاد کرده است.^۱ وی در این گزارش با اشاره به آزادی بیان موجود در این کشور، شهروندان انگلیسی را در انتقاد از مذاکرات صورت‌گرفته در مجلس و کلای انتخابی ملت آزاد دانسته و می‌آورد: «یک‌دفعه ملاحظه می‌کنی در لندن کودک واکسی جعبه صنعت خویش را زیر پای خویش گذاشته مانند خطیبی که بر منبر صعود کند نطق می‌نماید و صحبتی که آن روز در مجلس پارلمنت میانه وکلای ملت رفته تکرار می‌کند و حسن و قبحش می‌نماید. هزار نفر هم با کمال سکونت دورش جمع شده و گوش می‌دهند» (پرورش، ۲۲: ۸). مجلس ایتالیا از دیگر مجالس غربی است که در پرورش بدان اشاره شده است. روزنامه در مطلبی تحت عنوان «فروش جراید»، از خرید روزنامه «تریبونا» توسط یکی از اعضای مجلس ایتالیا خبر داده و اظهار امیدواری می‌کند که روزی در ایران نیز برای خرید روزنامه شرکتی تأسیس خواهد شد و ریاست آن را یکی از وکلای مجلس ایران بر عهده خواهد گرفت (پرورش، ۱۸: ۱۵).

مطالب مطرح‌شده از سوی پرورش در باب پارلمان‌های غربی نشان می‌دهد که در واقع آنچه از پارلمان‌های اروپایی قابل‌اقتباس است، صرفاً ظواهر، کارکردها و مزایای حاصل از آن بود. به همین خاطر مدیر روزنامه در سفر مذکور، ظاهر پارلمان‌های اروپایی را برای

۱. میرزا علی محمد خان زمانی که در تریا فعالیت داشته، در شماره‌های ۲۱ الی ۲۴ سال اول این روزنامه، مطلبی تحت عنوان «وضع حکومت حالیه انگلستان» را به چاپ رسانده است. در این مطلب که نگارنده آن میرزاعبدالحمیدخان کاشانی، برادر میرزا علی محمد خان است، به صورت مفصل در بخشی مستقل به نام «تکالیف پارلمنت»، به سازوکار پارلمان انگلستان، میزان آزادی عمل آن و طریقه انتخاب وکلای مجلس اشاره کرده است. در همین سلسله مقالات اشاره شده که حتی خود پادشاه نیز بایستی در چارچوب قانون تصویب شده توسط پارلمان عمل نماید. این مطلب نشان از آگاهی قبلی مدیر پرورش از پارلمان و عملکرد آن دارد (تریا، سال اول، شماره‌های ۲۱ الی ۲۴).

هموطنان خود وصف کرد و از سازوکار و ملزومات پارلمان‌های غربی سخنی به میان نیاورده است. به نظر به همین دلیل است که روزنامه این ظواهر را با مشورت در اسلام مقایسه می‌کند تا در پارلمان مورد نظرش روح اسلامی دمیده شود.

پارلمان و قاعده مشورت

پرورش برخلاف صحبت از پارلمان و اکتفا به ظواهر، زمانی که وارد بحث مشورت می‌شود، اصل آن را در آیات و روایات جستجو می‌کند. پرورش در مقاله‌ای با عنوان «مجلس مشاوره حجاج - محضر اول»، به اهمیت امر مشورت در قرآن اشاره کرده و برای اثبات مدعای خود، از آیات سوره شوری، ۱۵۹ سوره آل عمران، ۳۲ سوره نمل و ۱۰۹ و ۱۱۰ سوره اعراف بهره گرفته است. در این مقاله که با قسمتی از آیات ۳۸ سوره شوری (امرهم شوری بینهم)^۱ و آیه ۱۵۹ سوره آل عمران (وشاورهم فی الامر)^۲ آغاز گردیده، نگارنده از مذمت استبداد و خودرأیی سخن به میان آورده، مشورت کردن را «نص صریح کتاب شریف حضرت ختمی مآب» دانسته و از وجوب مشورت در امور مربوط به جامعه سخن به میان آورده است. روزنامه با بیان اینکه قرآن و شرع اسلام به مسلمانان دستور داده تا در امورات خود با یکدیگر مشورت کنند، تبعیت از این دستور را به مثابه اطاعت از خداوند و پیامبر اسلام می‌داند. نگارنده مطلب همچنین با اشاره به آیات ۳۲ سوره نمل (مربوط به داستان بلقیس سبأ)^۳ و آیات ۱۰۹ و ۱۱۰ سوره اعراف (مربوط به داستان حضرت موسی و فرعون)^۴، نظیر این گونه آیات را در قرآن بسیار دانسته و معتقد است که همه این آیات دلالت بر این دارند که «باید در امورات پای از جاده مشورت بیرون نگذاشت و به اجتهاد و اتحاد کار از پیش برد» (پرورش، ۲۰: ۱۰). آوردن چنین آیاتی که دین اسلام را «دین مشورت» می‌داند و امور

۱. و آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آن‌ها کردیم انفاق می‌کنند.

۲. به رحمت الهی با آن‌ها نرمخو شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل نما که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.

۳. آن‌گاه (بلقیس) گفت: ای رجال کشور شما به کار من رأی دهید زیرا من بدون صوابدید شما تصمیم قطعی بر انجام کاری نگرفتم.

۴. اشراف قوم از برای بعضی دیگر گفتند که موسی ساحر دانایی است و می‌خواهد خاک شما را بستاند. اکنون در کار او چه دستور می‌دهید.

مردم را به مشورت با مردم مربوط می‌سازد، اگر چه در آثار فارسی قبل از پرورش مسبوق به سابقه بوده است، ولی اشاره این‌چنینی به حکومت مشورتی و تشکیل مجلس شوری، آن هم شش سال قبل از انقلاب مشروطه، نشان از میزان تأثیرگذاری آن دارد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۹۱).

البته پرورش در این‌باره به ذکر آیات مذکور در باب اهمیت مشورت اکتفا نکرده و در مطلبی دیگر که تحت عنوان «کلمة الحق» به چاپ رسیده است با رجوع به تاریخ اسلام، مشورت دربارهٔ امورات جامعه را سیره و روش صحابهٔ پیامبر دانسته و برای اثبات سخن خود از مفهوم «بیعت» بهره برده است. نگارندهٔ مطلب، با اشاره به رواج امر بیعت در تاریخ اسلام، مشروعیت و مقبولیت حاکمان جامعه را در گرو آن دانسته و معتقد است که اکثر خلفا در امر حکومت‌داری از آن بهره برده‌اند^۱ (پرورش، ۲۷: ۶).

جستجوی سابقهٔ مفاهیم دینی برای مطابقت اصول غربی با آن، یکی از راه‌های مورد استفادهٔ روشنفکران و روزنامه‌های دورهٔ قاجار برای انتقال مفاهیم جدید به ایران بود. استفادهٔ پرورش از مفهوم «مشورت» نیز در راستای چنین هدفی صورت گرفت. اما برخلاف تصور محققانی چون محیط طباطبایی این استفاده برای شرکت دادن مردم در امر حکومت نبود (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۹۱) بلکه به این منظور صورت می‌گرفت که مشورت در شکل سنتی در قالب جدیدی به نام مجلس صورت گیرد و قوانینی که منشأ دینی دارند با مشورت تدوین شوند و اختلاف‌نظرهایی که در تفسیر آن‌ها وجود داشت از میان برداشته شود.

قوانین شرعی به جای قانون برگرفته از اراده ملت

پرورش علی‌رغم تأیید سیستم پارلمانی، همان‌طور که وارد بحث میانی مربوط به قانون و حکومت قانونمند نمی‌شود، در مورد قوانین عرفی برگرفته از ارادهٔ ملت نیز سخن به میان نمی‌آورد و تنها به ستایش قانونمندی اروپائیان اکتفا می‌کند. اشاره به پیشرفت اروپا بر اثر

۱. نویسنده این مطلب خود را از ایرانیان ساکن مصر معرفی می‌کند که به هنگام حضور در ایران به عنوان منشی اسرار فرمانفرمای فارس فعالیت می‌کرده است.

قانونمداری غربی‌ها (پرورش، ۱۷: ۹) و «تماشای اوضاع اروپا و قوانین آن» توسط مظفرالدین‌شاه (پرورش، ۱۴: ۱۱) و ابراز امیدواری به اجرای این قوانین در ایران «به‌مانند قوانین دول اروپا» (پرورش، ۷: ۷) از نمونه اشاره‌های روزنامه به بحث قانون و قانونمندی در اروپاست. به نظر می‌آید که روزنامه اعتقاد خود به قوانین برآمده از مشورت را در قالب سخنان منسوب به سفیر عثمانی آورده است. در این مطلب که تحت عنوان مصاحبه سفیر ایران در عثمانی با میرزا علی‌محمدخان چاپ شده است، به‌روشنی با اخذ تمام و کمال پارلمان غربی و قانون رایج در غرب مخالفت شده و حضور علمای دین در پارلمان ایران یک ضرورت به حساب آمده است.

در این مصاحبه، سفیر ایران در عثمانی علی‌رغم موافقت با تشکیل مجلس شورای احتمالی در ایران، با تقلیل مفهوم پارلمان و کارکرد آن، بدون در نظر گرفتن نقش و قدرت تصمیم‌گیری مردم در سیستم پارلمانی، تأسیس پارلمان در ایران را منوط به حضور علمای دین در آن می‌داند. وی با بیان اینکه «هر مملکتی اقتضائاتی و هر دینی آدابی» دارد، تقلید از اروپائیان در دخالت ندادن علمای دین مسیح در امور حکومتی را اشتباه محض دانسته و دلیل این تصمیم دول اروپایی را مخالفت مسیحیت و علمای دین مسیح با ترقی و پیشرفت می‌داند. وی اعتقاد دارد که این امر دربارهٔ اسلام و علمای دین اسلام صدق نمی‌کند و «دولت ایران آنچه می‌خواهد بکند باید به صوابدید و تعضید علما باشد و اگر مجلس شورایی تشکیل می‌دهد علما در آن عضویت داشته باشند».

وی در این مصاحبه، همچنین قانون‌گذاری در غرب و ایران را متفاوت از یکدیگر دانسته و با مقایسه قوانین شرع با قوانین موضوعه مصوب غربی‌ها در پارلمان، قوانین شرع اسلام را برای ایران مناسب دانسته و اعتقاد دارد که در صورت اجرایی شدن این قوانین در ایران، «بسیار از قانون فرنگ مضبوط‌تر خواهد بود زیرا آن‌ها ناچارند هر روز قوانین خود را جرح و تعدیل کنند ولی ما این محذور را نداریم» (پرورش، ۲۴: ۲). علاءالملک سفیر ایران در عثمانی با ذکر چنین مقدماتی به انتقاد از قانون‌خواهی برخی ایرانیان و شکایت آنان از بی‌قانونی در ایران پرداخته و اعلام می‌دارد که قانون موجود شرع بهترین قانون‌هاست (پرورش، ۲۵: ۳-۴). عدم هرگونه نقد از طرف روزنامه و یا چاپ مطالبی مغایر با اعتقادات

سفیر در شماره‌های مختلف روزنامه، گواهی بر همراهی روزنامه با سخنان سفیر است.^۱

پارلمان و تضمین تداوم سلطنت

پرورش با صحبت از لزوم تأسیس پارلمان در ایران^۲ و با تبیین جایگاه پادشاه در چنین ساختاری، تأسیس پارلمان در ایران را در تضاد با تداوم سنت سلطنت و پادشاهی در ایران نمی‌داند. روزنامه در انعکاس هدف امین‌الدوله صدراعظم برای تشکیل مجلس در ایران، با تأیید سلب اختیارات شاه در صورت آغاز به کار پارلمان، این امر را برای شاه ایران نافع دانسته و به دفاع از آن برخاسته است.

مدیر روزنامه که در سفر خود به اروپا با یکی از وزرای همراه مظفرالدین‌شاه مصاحبه‌ای ترتیب داده است، به نقل از وی به هدف امین‌الدوله در تلاش برای برقراری نظام پارلمانی و مشروطه در ایران اشاره کرده است. وزیر ایرانی البته بر این اعتقاد بوده که هرچند مظفرالدین‌شاه نظر وی را در این باره پذیرفته بوده است ولی صدراعظم نتوانسته به دلیل درافتادن با «رؤسای ملت و امنای دولت» از عهده این کار برآید. به همین دلیل نیز شاه برای اجرایی کردن این اندیشه، میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان را به‌عنوان جانشین وی به مقام صدارت‌اعظمی برگزیده است^۳ (پرورش، ۱۴: ۹).

مدیر پرورش نیز در باب پارلمان‌خواهی امین‌الدوله چنین اعتقادی دارد. به عقید وی

۱. پرورش در مطلبی دیگر تحت عنوان «مکتوب ثانی - بقیه تیول» بیان می‌کند که هر کشوری باید قانون مخصوص به خود را داشته باشد و نمی‌توان و نیایستی برای قانون‌گذاری در ایران به ترجمه کتب قانون کشورهای غربی روی آورد و قواعد و آداب غربی را در ایران جاری سازد. نویسنده این مطلب در این باره به ممالک تحت سلطه انگلستان اشاره می‌کند و معتقد است که انگلستان با پیروی از این روش توانسته تا تمام مستعمرات خودش را اداره کند (پرورش، ۳: ۱۳).

۲. میرزا علی‌محمد خان کاشانی قبل از تأسیس پرورش و حضور در روزنامه *تربیا*، علی‌رغم ابراز علاقه به کارکردهای پارلمان، نظر دیگری دارد و معتقد است که ایرانیان شرایط و آمادگی لازم برای تأسیس این نهاد مدرن را ندارند. میرزا علی‌محمد خان در قسمتی از مطلب خود تحت عنوان «بقیه مقاله مصاحبه» بیان می‌دارد که: «از برای خدا ارکان مجلس مبعوثان از کدام ملت انتخاب شود؟ و اعضای پارلمان از کدام امت تشکیل یابد؟ و چون جمع شدند چه گویند و طریق نجات از چه راه جویند؟ اگر چه به گمانشان در نفس خویش کسند ولی در جلوی این سیل که از فراز و نشیب میل کرده، خار و خسند. مشتی کوران خواهند جان‌گدازیهای عمیق اشارات چشم معشوق مدنیت را دریابند و دل‌نوازیهای رقیق بشارت تبسم محبوب انسانیت بفهمند. دریغ بدین خیال باطل و عقیدت غافل» (تربیا، سال ۲، ۲۲: ۱۶).

۳. قاضی مصری از همکاران قلمی پرورش اعتقاد دارد که ناصرالدین شاه نیز خواستار اجرای قانون و حکومت قانون در ایران بوده ولی وزرای شاه او را از این فکر منصرف کرده‌اند (پرورش، ۲۱: ۵).

هدف امین‌الدوله از تلاش برای تشکیل پارلمان در ایران و سلب اختیارات مقام سلطنت، کاستن از مسئولیت‌های شاه و «از تحت مسئولیت درآوردن او» بوده است. میرزا علی محمد خان معتقد است که در صورت اجرایی شدن این تصمیم، شاه دیگر در کتاب‌های تاریخی به‌عنوان مسئول فلاکت ایرانیان و مانع ترقیات ایرانیان معرفی نخواهد شد. وی نیز با تأیید سخنان وزیر ایرانی بر این نظر است که چون امین‌الدوله علی‌رغم موافقت شاه با تصمیمات او موفق به اجرایی کردن تصمیمات اصلاحی خویش نگردیده، شاه برای اجرایی کردن آن امین‌السلطان را مأمور این کار گردانیده است (پرورش، ۲۳: ۱۱-۱۰).

چنین اشارات مستقیم و بی‌پرده به هدف امین‌الدوله در تشکیل مجلس، و جوب تأسیس پارلمان در ایران و کاستن از مسئولیت مملکت‌داری مظفرالدین‌شاه، باعث گردیده تا پرورش مورد انتقاداتی از سوی برخی مخاطبان روزنامه قرار گیرد. افرادی که طی مکتوباتی با انتقاد از روزنامه و اشتباه دانستن عقیده پرورش در باب پارلمان‌خواهی امین‌الدوله، ضمن مخالفت با پارلمان و کاهش اختیارات شاه ایران، به دفاع از سلطنت مطلقه و حکومت پادشاهی در ایران پرداخته‌اند. در مکتوبی که تحت عنوان «مکتوب یکی از علمای محترم تفریس» به چاپ رسیده است، نگارنده آن به دفاع از نظام سلطنتی پرداخته است. وی نظام سلطنتی را سیستم حکومتی مناسب برای ایران دانسته و عقیده دارد که در طول تاریخ ایران، «هیچ‌وقت ملت ایران نتوانسته است بدون سلطان نام نیکی اخذ نماید»^۱. او برای اثبات این ادعای خود به نام برخی از سلاطین قدرتمند ایران اشاره کرده و می‌گوید که حتی اروپایی‌ها مجذوب «خسرو تاجدار امروز ما» مظفرالدین‌شاه شده‌اند و از حسن رفتار و سیرت زیبای او کتاب‌ها مدون کرده‌اند (پرورش، ۲۸: ۹-۸). در مکتوب دیگری که از رشت به روزنامه ارسال گردیده است، نگارنده به‌شدت با اندیشه تأسیس پارلمان در ایران به مخالفت برخاسته و با غیرواقعی خواندن این موضوع که امین‌الدوله قصد تأسیس پارلمان در ایران را داشته، معتقد است که در زمان صدارت امین‌الدوله «در قوای سلطنت ایران رمقی باقی نمانده بود که او متوقع سلب اختیار باشد». وی بر این اعتقاد است که چون ایرانیان هنوز به حقوق خود آشنا

۱. در مقابل چنین دیدگاهی، فاضل مصری از همکاران قلمی پرورش در مطلبی تحت عنوان «کلمه الحق»، تمام حکومت‌های طول تاریخ ایران را مستبد دانسته و وجود افراد چاپلوس در دربار پادشاهان ایران را در ترویج و تثبیت این استبداد مؤثر دانسته است. (پرورش، ۲۷: ۶).

نبوده و فاقد «حیثیت ملیه» هستند، به همین دلیل نمی‌توان ایرانیان را در امور مملکت صاحب رأی دانست. او در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که «برای گروهی که وجود مستقل ندارند جز سلطنت مستقله مناسب نخواهد بود». نگارندهٔ مکتوب در ادامه با ابراز مخالفت خود با مشارکت دادن ایرانیان در امور کشوری تحت نام پارلمان، معتقد است، نه چنین سیستم حکومتی مناسب برای ایران است و نه صدراعظم امین‌الدوله که با وضعیت ایران و ایرانیان آشنایی داشته و سال‌ها در دربار ناصرالدین‌شاه کسب تجربه کرده است، خواهان چنین نظام حکومتی بوده است (پرورش، ۲۳: ۷-۸).

خاطرات برجای‌مانده از امین‌الدوله نشان از درستی ادعای روزنامه پرورش در این باره و سخنان به دور از واقعیت نگارندهٔ مکتوب دارد. هرچند مخالفان امین‌الدوله در زمان صدرات‌اعظمی وی اصلاحات و قانون‌خواهی او را مخالف شرع و موجب تزلزل سلطنت می‌دانسته‌اند، با این حال امین‌الدوله تا واپسین لحظات مسئولیت بر اندیشه قانون‌خواهی و پارلمانتاریسم در ایران اصرار داشته است. عرایض امین‌الدوله به مظفرالدین‌شاه قبل از استعفاء از مقام صدرات‌اعظمی به روشنی گواهی بر این ادعاست. وی در این عرایض خطاب به مظفرالدین‌شاه به «لزوم داشتن مشروطه و مجلس شورای ملی» اشاره کرده و بر این اعتقاد است که «اختیار جان و مال و مخدرات مخلوق نباید اسیر رأی یک نفر باشد». امین‌الدوله با اشاره به ثابت و محکم شدن مقام پادشاهی در صورت اعطای مشروطه و پارلمان از سوی شاه، از مزایای چنین اتفاقی را تفویض مسئولیت به نمایندگان مردم و وزراء دانسته و معتقد است که در این صورت شخص شاه «محبوب و بی‌مسئولیت و راحت» می‌شود. به اعتقاد وی در غیر این صورت ملت تمام کاستی‌ها و تقصیرات را از شخص پادشاه می‌دانند و ناله و نفرین پایمال شدن حقوق ملت در دنیا و آخرت گریبان‌گیر شخص پادشاه است.

صدراعظم مظفرالدین‌شاه در نهایت با ذکر نام حکومت‌های قانونی انگلیس و آلمان و حکومت‌های استبدادی روسیه و عثمانی، حکام ممالک اخیر را جابر و خون‌ریز دانسته و از شاه ایران می‌خواهد که افتخار اعطای مشروطه و پارلمان را به خود اختصاص دهد چراکه در غیر این صورت در نهایت ایرانیان به پا خاسته و به‌زور طلب حکومت قانون خواهند کرد (فرمانفرمائیان، ۱۳۷۰: ۲۵۹-۶۳).

پارلمان و مقابله با استعمار

یکی از روش‌هایی که پرورش برای انتقال مفهوم پارلمان به مخاطبانش، آزموده است اشاره به کارکردهای مثبت پارلمان و در کنار آن پیامدهای منفی‌ای است که در صورت فقدان پارلمان می‌تواند گریبان‌گیر ایرانیان شود. روزنامه معتقد است که در صورت آغاز به کار مجلس و حکومت قانون در ایران، استقلال کشور تضمین خواهد شد. برای نمونه پرورش در مطلبی و برای بیان میزان اهمیت نظام پارلمانی، یکی از پیامدهای حکومت قانون‌مدار و پارلمانی را جلوگیری از نفوذ و رسوخ غربی‌ها در ایران و دیگر ممالک شرقی دانسته و برای اثبات مدعای خود به حکومت ژاپن و ساختار سیاسی آن اشاره می‌کند. پرورش در مطلبی این نظر را که، اروپایی‌ها دغدغه تبلیغ آیین مسیحیت را داشته و به همین علت نیز قصد سلطه بر ایرانیان مسلمان را دارند، رد کرده و حملهٔ اروپایی‌ها به مسیحیان پروتستان ترانسوال و چینی‌های غیرمسلمان و در مقابل تعامل و اتحاد آنان با ژاپنی‌های بت‌پرست را ناقض این ادعا خوانده و می‌نویسد: «اقلاً ماها به مسیح اعتقاد داریم، آن‌ها که به مسیح و پیرو مسیح اعتقاد ندارند. اگر غرض دینی در میان است باید اول دفع او را کرد و جهت چیست که دو دسته به دامان او چسبیده‌اند و گوناگون از او تملق می‌گویند». نگارندهٔ مقاله دلیل اتخاذ چنین سیاستی از سوی اروپا در قبال ژاپن را این می‌داند که ژاپن «در مملکتش پارلمان دارد و از روی قانون اجرای احکام می‌دارد». وی همچنین با تشبیه ژاپن و سیستم سیاسی پارلمانی آن به کوه، تشبیه سایر ملل شرقی به زمین پست و تشبیه اروپایی‌ها به دریا، اشاره می‌کند که آب تند دریای اروپا قادر به راهیابی به زمین‌های پست است و وقتی این دریای با عظمت به سمت ژاپن می‌رود، «دائم از موج نعره می‌زند و به طرف سواحل آن می‌رود و باز کله‌خور مراجعت می‌کند».

نگارندهٔ این مطلب، عامدانه و یا از روی ناآگاهی پارلمان‌تاریسم را تنها نسخه تجویزی به ممالک شرقی در این باره دانسته، همین نسخه را به دیگر ممالک دیگر شرقی تعمیم داده، راه در امان ماندن از دست‌اندازی اروپایی‌ها به ممالک شرقی و خصوصاً ایران را تقلید از سیستم قانون‌مدار و پارلمانی ژاپنی‌ها دانسته و می‌نویسد: «اگر ماها اهل ایران و سایر شرقیان به این حالت حالیه دین مسیح قبول کنیم و یا در دامان مسیح جای گیریم از شر

هجوم اوروپاوی آسوده نخواهیم بود زیرا چنان‌که گفتیم طبیعی است که آب زمین پست را فروگیرد و بند آن نیست که بایر است یا دایر. اگر مانند ژاپن ادارات داخلی و خارجیمان منظم باشد هر دینی داشته باشیم کسی کاری به کارمان نخواهد داشت» (پرورش، ۲۵: ۶).

نتیجه

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که هدف روزنامه پرورش از ورود به بحث پارلمان‌تاریسم در اروپا، توصیف مبانی حکومت غربی و نشان دادن نقش مردم به‌عنوان منشأ حکومت نبوده است. روزنامه آگاهانه یا ناآگاهانه به بحث درباره مبانی حکومت در غرب وارد نشد و صرفاً به ارائه آگاهی از ظواهر و کارکردهای پارلمان در غرب بسنده نمود تا آن را با قاعده مشورت در اسلام پیوند دهد. پرورش با استناد به آیات و روایات و نمونه‌های تاریخی، مشورت در اسلام را تشریح کرده و از ضرورت‌های آن سخن به میان می‌آورد که اینک باید در قالب و ظاهر جدیدی تحت عنوان پارلمان صورت می‌گرفت.

روزنامه با درج مطالبی از زبان سفیر ایران در عثمانی نشان می‌دهد که به دنبال قوانین ثابت برگرفته از شریعت است که با مشارکت نمایندگان ملت و با حضور و نظارت علما نوشته می‌شود. این امر بدین معناست که روزنامه به‌روشنی با اخذ کامل قانون و پارلمان به شکل غربی آن به مخالفت برخاسته است. روزنامه همچنین پارلمان احتمالی آینده ایران و قوانین برآمده از آن را در تحکیم موقعیت شاه ایران و رهایی از دخالت‌های دول استعماری مؤثر ارزیابی می‌کند و اعتقاد دارد که کاستن از مسئولیت‌های شاه توسط قوه جدیدالتأسیس قانون‌گذار، در تضاد با نهاد سلطنت و تداوم این نهاد ریشه‌دار در ایران نیست. به همین جهت پرورش حکومت پارلمانی را برای شاه ایران نهادی نافع دانسته و بر این اعتقاد است که با وجود این نهاد، دیگر نابسامانی‌های کشور به پای شاه و سلطنت نوشته نخواهد شد. پارلمانی که با توجه به سوابق تاریخی موجود در ممالک دیگر، با قانونمند کردن مملکت توان مقابله با زیاده‌خواهی‌های دول استعمارگر خارجی را به ایرانیان خواهد بخشید. همین حدّ از ابراز علاقه به پارلمان تطبیق‌یافته با اصول اسلامی و سنت‌های جامعه نیز مخالفت‌هایی از سوی مخاطبان روزنامه به دنبال داشته و مطالبی انتقادی در این باب برای روزنامه ارسال شده است. مخاطبانی که با مضر دانستن پارلمان و حکومت پارلمانی برای

نهاد سلطنت، به انتقاد از رویهٔ پرورش در این باره پرداخته‌اند. پرورش نیز علی‌رغم درج این انتقادات، از مواضع خود در این باره کوتاه نیامده و بار دیگر با دلایل و استنادات خود، بر عقیده خویش در این خصوص پافشاری کرده است.

منابع

- قرآن کریم
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزافتحعلی آخوندزاده*، تهران: خوارزمی.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۱)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- براون، ادوارد (۱۳۳۷)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه: محمد عباسی، تهران: کانون معرفت.
- برزین، مسعود (۱۳۷۱)، *شناسنامه مطبوعات ایران (۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ ش)*، تهران: بهجت.
- پاشازاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، *در جستجوی قانون*، تهران: علمی.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹)، *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (بحران آزادی)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران: امیرکبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، تهران: عطار و فردوسی.
- رایینیو، ه. ل (۱۳۸۰)، *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه. ق / ۱۲۸۹ ه. ش*، ترجمه: جعفر خمami‌زاده، تهران: اطلاعات.
- سمیعی، احمد (۱۳۹۸)، *سیر تحول ادبیات ژورنالیستی در زبان فارسی، دفتر اول (نخستین قلم‌های ژورنالیستی، عهد ناصری و مظفری)*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مطبوعات ایران*، تهران: کمال.
- فرمانفرمایان، حافظ (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، زیر نظر: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (از ۱۲۵۳ ه. ق تا صدور فرمان مشروطیت)*، تهران: آگاه.

- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: بعثت.
- ناظم‌الدوله، میرزاملکم‌خان (۱۳۸۱)، *رساله‌های میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله*، گردآوری و مقدمه: حجت‌الله اصیل، تهران: نی.

مقالات

- پاشازاده، غلامعلی (۱۳۹۰). توجه به اعلامیه حقوق بشر در ایران و عثمانی قرن نوزدهم، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*. ۲(۳). ۴۱-۵۸.
- کولایی، الهه، و رادمرد، محمد (۱۳۹۰). اندیشه ترقی و توسعه در روزنامه پرورش، *سیاست*. ۴۱(۴). ۲۲۵-۲۴۴.
- خسروی زارگز، مسلم (۱۳۸۶). بررسی روند فراز و فرود روزنامه ثریا، *یاد*. ۸۴(۱). ۲۱-۳۹.
- سلطانی جلفان، رقیه و بیگدلی، علی (۱۳۹۶). بررسی اندیشه اقتصادی علی‌محمدخان کاشانی با استناد به دو روزنامه ثریا و پرورش، *تاریخ ایران*. ۲۲، ۱۱۱-۱۳۵.

پایان‌نامه

- شهرام نیا، سیدامیر مسعود (۱۳۷۶). *چگونگی پیدایی و نضج اندیشه پارلمان‌تاریسم در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).

روزنامه

- میرزاعلی محمدخان کاشانی، *مجلس مشاوره حجاج - محضر اول*، پرورش، شماره ۲۰، ۱۲ رجب ۱۳۱۸.
- _____، *جواب اسئله از نمره ۳۱*، پرورش، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸.
- _____، *درد نگفتی و راز ننهفتی*، پرورش، شماره ۱۴، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۱۸.
- _____، *لندن، ۶ ژوئیه*، پرورش، شماره ۷، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۸.
- _____، *مخاطرات اروپا - اسلامبول - بیوک آطه*، پرورش، شماره ۲۴، ۱۱ شعبان ۱۳۱۸.

- _____ ، *مخاطرات اروپا - اسلامبول - بیوک آطه*، پرورش، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸.
- _____ ، *سیاسی*، پرورش، شماره ۲۷، ۲ رمضان ۱۳۱۸.
- _____ ، *فروش جراید*، پرورش، شماره ۱۸، ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۱۸.
- _____ ، *وین - ۲ سپتامبر سنه ۱۹۰۰*، پرورش، شماره ۱۵، ۲۹ جمادی الاول ۱۳۱۸.
- _____ ، *نسكر و سپاس*، پرورش، شماره ۱۹، ۵ رجب ۱۳۱۸.
- _____ ، *بقیه مقاله مصاحبه*، ثریا، شماره ۲۲، ۱۳ ذی حجه ۱۳۱۷.
- _____ ، *بقیه تاریخ انگلند*، ثریا، سال ۱، شماره ۲۴، ۲۷ ذی القعدة ۱۳۱۶.
- _____ ، *مکتوب ثانی - بقیه تیول*، پرورش، شماره ۳، ۲۵ صفر ۱۳۱۸.
- _____ ، *مکتوب از زنجان*، چهره نما، سال ۲، شماره ۶، ۲۰ شوال ۱۳۲۳.
- _____ ، *در اصلاح وضع مکاتب ایران*، پرورش، شماره ۱۷، ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۱۸.
- _____ ، *شیراز*، پرورش، شماره ۱۹، ۵ رجب ۱۳۱۸.
- _____ ، *وضع حکومت حالیه انگلستان*، ثریا، سال ۱، شماره ۲۱، ۶ ذی القعدة ۱۳۱۶.
- _____ ، *درخواست فاضل مصری ما*، پرورش، شماره ۲۱، ۱۹ رجب ۱۳۱۸.
- _____ ، *بقیه حالت حکومت حالیه انگلند*، ثریا، سال ۱، شماره ۲۲، ۱۳ ذی القعدة ۱۳۱۶.
- _____ ، *پرنس هوهنلو و علت استعفاى او*، پرورش، شماره ۲۲، ۲۶ رجب ۱۳۱۸.
- _____ ، *مکتوب رشت*، پرورش، شماره ۲۳، ۴ شعبان ۱۳۱۸.
- _____ ، *بقیه وضع حکومت حالیه انگلند*، ثریا، سال ۱، شماره ۲۳، ۲۰ ذی القعدة ۱۳۱۶.
- _____ ، *کلمه الحق*، پرورش، شماره ۲۷، ۲ رمضان ۱۳۱۸.
- _____ ، *حق‌شناسی*، ندای وطن، سال ۳، شماره ۲۹، ۸ شعبان ۱۳۲۷.
- _____ ، *مکتوب یکی از علمای محترم تفلیس*، پرورش، شماره ۲۸، ۹ رمضان ۱۳۱۸.